

اصفهان در زمان تصدی بنده و زمان وزارت آقای حکیم الملک متحد المالی بامضای خود ایشان رسیده که تمام ادارات مالیه بلاغ شده که در آنجا تمام حقوق مالیات را ذکر میکند. در بعضی میگویند صد هشتاد در بعضی میگویند صد نصف منتهی در آن حکم اسم برده میشود که این حکم کلیه راجع بگندم و جو نیست و راجع بتریاک و بنه و شلتوک و تمام چیزهاست ولی این حکم را تا یکدرجه ناقص نوشته اند زیرا کلیه هرملکی یک مالیات نقدی و یک مالیات جنسی دارد در مقابل مالیات جنسی البته گندم وجود دریافت میشود در مقابل مالیات نقدی اگر تریاک یا جوزق و سایر صیفی هارا مالیه ضبط کند دیگر مالیات نقدی را نباید بگیرد چرا که تمامش را مالیه عیناً دریافت کرده اداره مالیه اصفهان بدون حکم مرکز نمی تواند یکشاهی نقدی تخفیف بدهد یا یکشاهی جنس تخفیف بدهد اما مسئله مهم راجع به تخفیفات جنس است که بمن نسبت داده بنده اولاً عرض میکنم در سنه بیچگی بل بیشکاکر مالیه اصفهان بوده ام ۱۱ سال پیش از این اداره مالیه در اصفهان تشکیل شده رجوع نمایم به ثبت دفاتر اگر در این ۱۱ سال بهتر از آن سال داشتند به بنیید من بیشتر وصول کرده ام یا آنهایی که سابق بوده اند اگر ایراد به بنده وارد است چرا به آنها وارد نیست اگر ایرادی به بنده دارند برای جوابش حاضر و بندگان کاری ندارم شاید بغیلبی اشخاص ایراد دارند و تمام ایرادشان هم وارد نیست ولی نسبت بخود هر ایرادی باشد حاضر کم تحقیق و رسیدگی شود و اما اینکه فرمودند جزو جمع ۲۴۱۳ خروار و ۸۷ من گندم و ۱۷۳۰ خروار و ۶۰ من جو بوده این را نمیدانم از روی چه صورت فرمودند جزو جمع ۱۰ اصفهان اینطور نیست جزء جمع اصفهان قریب (۸۰۰۰) خروار است تفصیل خالصجات انتقالی را حالا عرض میکنم در اصفهان تا زمانیکه میرزا اسدالله خان بیشکاکر مالیه معلی بوده در حقیقت ۲۰ سال بیشکاکر مالیه بوده همه ساله جنس اصفهان را تا دینار آخر وصول میکرد با اینطور فلان شخص (۳۰) خروار جنس بده کار بود در مقابل صد خروار مستمری که طلبکار بوده در اول میآید آن صد خروار مستمری خود را قبض صادر میکرد مازادش را آنچه مدیون میشد به مالیه اصفهان بول میرزا اسدالله خان از فرار خرواری سه یا چهار یا ۵ تومان تسعیر میکرد در مصافا میگرفت و تقریباً ۴ ماه که از سال میگذشت بهیچوجه من الوجود مالیه اصفهان جنس طلبکار نبود در دست تمام مؤدیان مالیاتی مفاصا بود باین ترتیب مالیه اصفهان اداره میشد بعد که مستر هایک انگلیسی آمد به اصفهان شروع کرد بوصول مالیات و بعموم مالکین و مؤدیان مالیاتی اخطار کرد و از روی یک جزء جمعی که از دوست سال قبل که از خانواده مشیر الملک پیدا کرده بود از روی آن جزء جمع مطالبه مالیات کرد معلوم است با جزء جمع حالیه اصفهان تفاوت خیلی کلی داشت مردم بطهران شکایت کردند. در این موقع حکومت هم مخالفت کرد و اورا تفرید دادند بعد کرنیل آمد در آن موقع جمعی از ملاکین نزد کرنیل رفتند و گفتند ما که همه ساله میتوانستیم مالیات را تمام و کمال بپردازیم برای این بود که میرزا اسد الله خان خرواری چهار پنج تومان جنس را با ما تسعیر میکرد

و شما میخواهید تمام جنس را از ما تحویل بگیرید ما نمیتوانیم و استطاعت نداریم کرنیل عمداً یا سهواً نمیدانیم از این اظهارات آقایان ملاکین برای دولت سوء استفاده کرده میزری در محل فرستاد که تحقیق کنند به بینند اظهارات آقایان حقیقت دارد یا نه. اتفاقاً میزین رفتند و تصدیق مالکین را کردند در راست هم میگفتند مالکین این اندازه نمیتوانستند از عهده برآیند اما همین طور که آقای تدین فرمودند این املاک را دولت بشرط تأدیه این مالیات بامال الاجاره بلاکین واگذار کرده بود و آنها یا نیاستی قبول کنند و ملک را واگذار کنند یا باید مالیات و مال الاجاره را عیناً هر چه هست بدولت تأدیه بنمایند. کرنیل در آن سال بچند نفری تخفیفاتی را و ملاکین یاد گرفتند که از اصل مالیات و جزو جمع هم میتوان تخفیف گرفت بعد یک نفر بلژیکی (دلی نام) آمد او هم که آمد در ششماه اول سال که آنجا بود همان معامله کرنیل را با مردم تجدید کرده بعد از ایشان یک نفر (یا که نام) آمد خواست این معامله را با مردم نکند و گفت برخلاف حکم دولت است ملاکین بدولت شکایت کردند در آن وقت وزارت مالیه مطلع شد که کرنیل بیشکاکر مالیه یک چنین معامله را با مردم کرده است این مسئله در زمان ریاست وزرائی مرحوم علامه السلطنه بود و متحد المالی باصفهان بلکه تمام ولایات صادر شد (و موضوعش راجع باملاک مرحوم محمد حسین میرزای مؤید الدوله بود) و باصفهان هم ابلاغ شد از آن بید همه ساله معمول شد که اول هر سال اداره مالیه مأمور بر سر املاک میگذاشت و در هر دهی مال هر کسی میخواهد باشد میبازد میفرستاد که میزری کند اگر ملک جزو آن قسمتی بود که صد هشتاد باید بپردازند صد هشتاد میگردانند اگر نصف باید بدهد نصف مطالبه میکردند در سال گذشته بنده هم برخلاف این نکردم و همان میزری را که میفرستادند مادوسه نفر میزری معالی بدهات فرستادم از جمله یک قریه که اسمش (زقمار) است و ملک دولتی است و اجاره داده بودند میرزا فضل الله خان عطاء الملک به (۱۴۵) خروار در آنسال عطاء الملک شرحی بمالیه نوشت که چون اجاره من شرط آفت دارد و امسال بقدر اجاره که کرده ام عایدات ندارد باید به تصدیق مصدقین با من رفتار بشود و خواهش می کنم که میزری بفرستید به بنیید عایدات آنجا چیست بنده هم همان میزری بادوسه نفر دیگر بآنجا فرستادم که میزری کند پس از میزری یک صورتی آوردند که بعد از وضع بنر عایدات آنجا را (۲۹) خروار نوشته بود. صورتها را دادند. بنده عطاء الملک را خواستم که عین این صورت را از او بگیرم استنکاف کرد و گفت این صورتی که میزین داده اند صحیح است ولی قنات و پل و غیره هم مخارج دارد این مسئله هم بطور مجمل ماند تا یک شخصی بمن اطلاع داد که مسئله (زقمار) را نصرالله خان میزری

تقلب کرده است و تقریباً پنجاه خروار کمتر صورت داده و معادل پنجاه تومان هم برای این کار گرفته بنده فرستادم که خدای آنجا را آوردند و پرسیدم امسال عایدات (زقمار) چقدر است جواب داد که من از عطاء الملک اجاره کرده ام و اجاره نامه چه دارم. اجاره نامه چه را که در آورد دیدم که (۱۴۷) خروار از عطاء الملک اجاره بود و قبوض ۳ دانگش را هم از جیش در آوردند چون بنده کسالت داشتم بمعاون مالیه نوشتم و آن اجاره نامه را با قبض جوف یا کت گذاشته بمالیه فرستادم و گفتم کدخدایا و میرزا نصرالله را در مالیه بخواهند و تحقیقات کنند عصر بمن اطلاع داد که تحقیقات کردیم و معلوم شد که جای انکار نیست و عایدات آنجا مطابق قبوض رسیدی است که کدخدایا داده هیچ جای سؤال و جواب نیست. بنده گفتم میرزا نصرالله را باید توقیف کرد و گفتم ایچ مقداری که در آنجا بدولت خسارت وارد آمده یا از عطاء الملک باید گرفت یا از همین میزری بآهر کس را که دولت معین کند اورا توقیف کردند و بنده فوراً رایورت کتبی بوزارت مالیه نوشتم اتفاقاً هفتم هشتم ایام هاشورا بود دوسه نفری خواهش کردند که میرزا نصرالله را مرخص کنید که روز دوازدهم بیاید و رسیدگی کنید بنده اطاعت کردم تا روز چهاردهم که مالیه مفتوح شد در مالیه رفته فرستادم میرزا نصرالله را بیاورند که با حضور رئیس خالصه دوسه نفری از رؤسای مالیه رسیدگی شود جواب آمد که میرزا نصرالله بطهران رفته است در آن موقع بنده تلگرافات شخصی به آقای حکیم الملک که در آن زمان وزیر مالیه وقت بودند بفرستادم و وزارت مالیه مغایره کردم اتفاقاً طولی نکشید کابینه آقای مشیرالدوله مستعفی شده و قهراً این کار طول می کشید تا وزیر جدید معین شود بنده هم بطهران آمده و شرحی بوزارت مالیه نوشتم که چون این مسئله را من تعقیب کرده ام باید رسیدگی شود اینکه فرمودید وزارت مالیه مراد دوازدهم دلخواسته است اینطور نیست وزارت مالیه به بنده می نویسد بطوریکه خودتان تقاضا کرده اید روز دوازدهم دلوی برای دادن توضیحات بوزارت مالیه حاضر شوید بنده هم حاضر شدم اشخاصی که آنجا بودند حاضرند نمرده اند یکی میرزا حبیب الله خان علیا آبادی یکی مدیر الملک و یکی دوفتر دیگر از این اشخاص بودند ممکن است تحقیق کنید پس از اینکه بنده از وزارت مالیه بیرون آمدم گفته بودند که این معین کاملاً محکوم است و اما اینکه فرمودند بنده (۲۴) خروار گندم و (۴۶۰) خروار جو وصول کرده ام مقصود از این وصولی چیست وصولی در سنه بیچویلی با وصولی در ششماه مأموریت بنده را فرمودند؟ وصولی ششماه هیچ دلیل نمیشود بواسطه اینکه همه جنس اصفهان در برج اسد و سنبله وصول میشود یعنی وقتی که از خرمن خارج میشود و یکی دو ماه بعد یعنی تا آخر میزان که بنده آنجا متصدی بودم خیلی کم وصول میشد آقایان که از امور مالیه مسبوق هستند میدانند که در یکماه یا یکماه و نیم هشتصد نهصد

خروار جنس وصول کردن هم چون کار سلهی نبوده در اول عقرب بنده نبودم دیگری که بجای من بوده محققاً باز وصول کرده و مسلماً بیش از این مقدار وصول شده وقتیکه نسبت بسال جلوتر مقایسه کنیم می بینیم بیشتر از سنوات قبل هم عاید شده اما اینکه میفرمایند کمیسیون در زمان آقای سید ضیاء الدین بنا بود تشکیل شود و نشد یعنی چه آقای سید ضیاء مرا میگرفت و در نظمه جنس میکرد. کمیسیون میخواست تشکیل بشود نشد؟ آیا بنده هم چون نفوذ و احاطه داشتم که آنجا بروم و کمیسیون را بتأخیر بیاندازم؟ بعلاوه بنده یک ادعائی میکنم که هیچ کس نمیتواند بکند در این دوازده سال در همه جا مفتش فرستادند و شاید نباشد یک نفر رئیس مالیه که مفتش بیاید و از او خوب بگوید در موقعیکه مستشار های انگلیسی آمده بودند یک نفر آمد که اسمش مستر هارت بود بایک قهر و غضب فوق العاده وارد مالیه اصفهان شد و فوراً با کمال عجله تمام دفاتر و نوشجات بنده را داد مهر کردند و تمام دوسه ها را توقیف کرد و خودش هم همه روزه از یکساعت از آفتاب گذشته تا یکساعت بعد از ظهر (چون ایام تابستان بود) با داره مالیه آمده و رسیدگی بدفاتر میکرد و تا دوازده روز ابداً نزدیک اطاق من هم نمیآید دوست هم بمن نمیداد (از خودش یا باشخاصیکه در طهران گفتند و حاضرند تحقیق نمائید) بعد از دوازده روز آمد درب اطاق بالا و اظهار خوشحالی میکرد گفت من دزدی تو را سه قران پیدا کردم که از پول نواقل فلان ماه نداده و یک تصدیق مفصلی برای من نوشته است که من در ایران تصور نمیکنم که یک جوان ایرانی بتواند اینطور اداره کند و الا تصدیق او حاضر است و اما اینکه میفرمائید کمیسیون هائی منعقد کرده اند و بنده حاضر نشدم خیلی بیشتر اسباب حیرت بنده شده فقط یک کمیسیون تشکیل شد و یکدفعه بمن اطلاع دادند و هم بطوریکه فرمودند نوشتن خیلی جای افسوس است یک نفر میزری که آنطور دزدی واضح کرده و تمام اهالی اصفهان از علماء و غیره تصدیق دارند دوسه او را باصرار و فشار واداشته ام آورده اند اینجا ابداً مراجعه نشده و تحقیق نکردند که به بینند بنده راست میگویم یا دروغ میگویم؛ اما اینکه میفرمائید بنده هشت قریه را بدون حکم میزری کرده ام یا در مسئله چهار قریه فقط حکم آمده ابداً این مسئله وجود خارجی ندارد که از وزارت مالیه حکم شده باشد چهار قریه را رسیدگی نکنید و بباقی دیگر حکم تخفیف داده باشم این چیزی است معمول همه سال در آنسال هم حکم آمد که نفرستید میزری کنند آنجا یکصد صد هشتاد است صد هشتاد بگیرید جائیکه نصف است نصف بگیرید و بعلاوه یک مسئله دیگری هم هست آیا در این مدت چهارده سال مشروطیت تنها من یک نفر بیشکاکر مالیه بوده ام که ابواب جمعی داشتم یا بازم بوده اند بنده عرض میکنم راجع بمن یک نفر قرار بگذارید زودتر از همه رسیدگی شود فردا یا همین امروز قرار بگذارید که کمیسیون از اشخاص مطلع تشکیل بشود و رسیدگی کنند اگر کمیسیون

بنده را محکوم کرد بقدری که جناب عالی نسبت دادید در اصفهان تخفیف داده ام اینقدر دارائی دارم که بدهم اگر محکوم شدم از مال خودم خواهم داد تا کسی حرفی نداشته باشد.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟

محمد هاشم میرزا - بنده راجع بتصویب نامه عرض داشتم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله - خیر بنده موافقم.

رئیس - آقای تدین اجازه (نطق) -

تدین - بنده تصور میکنم آقای عماد السلطنه التفات بعرایض بنده فرمودند و وسوء تفهیمی برای ایشان حاصل شده بنده فقط همان سوء تفهیم را میخواهم رد کنم عرض دیگری ندارم. اولاً فرمودند نسبت بتصویب نامه بنده در یک قسمت آن اشتباه کرده ام که گفته ام صدیست صحیح است بنده عرض کردم یک قسمت را صدیست یا صدسی تخفیف دادند و ایشان میفرمایند بعضی نصف و بعضی صد هشتاد گرفته شود فرقی نمی کند صد هشتاد گرفته شود یا صد بیست تخفیف داده شود. تصور میکنم هر دو یکمیزان باشد بهر حال عجالتاً در این باب حرفی ندارم ولی چیزیکه لازم است راجع بتصویب نامه تذکر بدهم و فراموش کرده ام عبارت از اینست که مینویسد (تسعیر میکنند در صورتیکه آن تسعیر متناسب باشد با آن میزریکه در فرمان نوشته شده) فرمودند که بنده صورت جزء جمع را که اظهار کردم معلوم نیست از روی چه صورت بوده و فرمودند جنس مالیاتی اصفهان خیلی زیادتر از اینست بنده جزء جمع جنس مالیاتی اصفهان را عرض نکردم که میفرمایند خیلی زیاد تر بوده جزء جمع خالصجات انتقالی را عرض کردم. گفتم جزء جمع اینقدر بوده و احکامی که ایشان داده اند اینقدر بوده ام از اینکه ایشان وصول کرده باشند بنده مدعی العموم مالیه نیستم و نمیخواهم که این جا این قضیه را محاکمه بکنم یک جریانات و یک اسنادی هست که بنده دیده ام و دارم و نمیخواهم وارد در این جریانات شده و قسمت های دیگر را هم تعقیب کنم ولی یک نکته را بایشان تذکر میدهم و تصور میکنم ایشان اشتباه کرده اند و شاید خودشان هم معتقد باین اشتباه باشند و آن این است که فرمودند (آن شخص انگلیسی آمد و رضایت نامه ای بمن داد و گفت فقط سه قران دزدی تو را پیدا کردند) البته سهو فرموده اند والا اگر از روی حقیقت باشد سه قران با صد هزار تومان هیچ فرقی ندارد.

عماد السلطنه - اولاً اینکه آقای تدین یک چیزی راجع به تسعیر فرمودند هیچ مسئله تسعیر نیست و هم چنین گفتند جزء جمع راجع به جنس خالصجات انتقالی را فرمودند عرض میکنم در اصفهان جنس بدهی غیر از خالصه انتقالی نیست در اصفهان هر چه هست خالصات انتقالی است و دیگر راجع باحکام فرمودند مقصود احکامی است که در آن زمان داده شده البته کسی که بعد از بنده باصفهان رفته باز احکامی صادر کرده

و مالیاتی وصول نموده است.

رئیس - آقای حاج آقا (اجازه نطق) -

حاج آقا - بنده با این مذاکرات اساساً مخالفم بنده اصولاً رسیدگی باعمال نمایندگان دولت را که طرف سوء ظن واقع میشوند (چه در مجلس شورایی عضو باشند یا نباشند) یکی از مسائل فوق العاده لازم می شمارم ولی این مطلب را هیچ مرتب بترتیب اعتبار نامه نمیدانم (چه اعتبارنامه تصویب بشود یا نشود و چه جریان انتخاب صحیح باشد یا نباشد) نمایندگان که طرف سوء ظن یک نفر نماینده دیگر یا یک وزارتخانه و یا هر یک از افراد ملت واقع میشوند میتوانند ادله مثبتی را که راجع بادهای خود دارند با دارم بروطه بفرستند بنده هم تمام این مذاکرات را در موضوع اعتبارنامه زائد میدانم و چنانچه رفیق محترم من آقای تدین فرمودند در نظر باینکه دارند هنوز تردید دارند و برای خودشان هم قضیه هنوز ثابت نشده و البته از نقطه نظر رأی دادن هم گمان میکنم اشکالی برای ایشان موجود نباشد بجهت اینکه اگر یک مطلبی برای یک نماینده ثابت نشده باشد در هنگام رأی دادن گرفتار فشار وجدانی نخواهد شد ولی راجع بمحاکمه خود بنده فیما بعد جداً این مسئله را تعقیب خواهم کرد خود آقای عماد السلطنه هم که فرمودند برای رسیدگی حاضرند و البته استنکاف از محاکمه ندارند.

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی می- خواهند توضیحی بدهند.

سردار معظم - خیر بنده فعلاً عرضی ندارم.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) -

محمد هاشم میرزا - بنده راجع بتصویب نامه عرض دارم.

رئیس - تصویب نامه موضوع بحث نیست؛ آقای حاج شیخ اسدالله اجازه (نطق) -

آقای حاج شیخ اسدالله - نظریه بنده همان است که آقای حاج آقا فرمودند تصور میکنم این مسئله هیچ مربوط بجزریان انتخابات یا صحت و سقم آن نباشد این مسئله محاسبه ایست البته وزارت مالیه بایستی باعمال هر یک از مأمورین خودش رسیدگی نماید خود آقای عماد السلطنه تقاضا دارند که رسیدگی بمحاسبه ایشان بشود تا در صورتی که یک تخفیف بیوردی داده باشند از مالیه خود جبران خسارت را بنمایند و بنده تصور میکنم مذاکرات کافی بوده و باید رأی گرفته شود

رئیس آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

تدین - بنده عرضی دارم و میخواهم از بیاناتی که آقایان فرمودند دفاع نمایم.

رئیس - بفرمائید.

تدین - بنده در عین اینکه نمی خواستم وارد در جریان انتخابات شوم بطور خلاصه عقاید و اطلاعات خود را بدون اینکه از آنرا کت خارج شوم اظهار داشتم ولی بتدریج می بینم که مذاکرات رفقاً بنده را وادار بکفتن یک سلسله مذاکراتی مینماید ولی معذک بنده

خود برای حفظ حیثیات مجلس شورای ملی عصبانی نشده و از بارم مسائل خود داری می کنم ولی اینکه میفرمائید این مسئله مربوط بانتهای نیست بنده عرض میکنم مربوط است ولی بنده نمیخواهم داخل دوا این مذاکرات هم شوم می فرمایند اثبات مسئله بر خودش معلوم نیست مسئله اگر بر بنده معلوم نمیشد این عرض را نمی کردم بنده هم معتقدم که امور از مجرای خودش بایستی جریان یابد و مجرای این امور محکمه صالحه باید باشد که بعد از تحقیق رأی خودر بدهد و الا بنده تا اسناد معتبره در دست نداشته باشم و کاملاً معتقد به صحت آن نباشم مذاکره را صحیح نمیدانم و تاکنون برخلاف این عقیده رفتار نکرده ام با این حال بعد از این مذاکرات این مطلب را برای مجلس وا گذار می نمایم.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟ (گفته شد کافیت) رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا خیر - آقایانی که عقیدشان بر اینست که مذاکرات کافی است قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) مذاکرات کافی شد

رئیس - رأی میگیریم به رأیت شعبه آقایان اینکه نمایندگی آقای عماد السلطنه را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راجع به اعتبار نامه آقای معتمد السلطنه که در جلسه قبل راپورت آن قرائت شد مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - پس معلوم شد مخالفینی که در جلسه قبل نسبت بنمایندگی آقای معتمد السلطنه مخالفت نموده بودند در مجلس تشریف ندارند.

آقا شیخ جواد - بنده مخالفم.

رئیس بفرمائید.

آقا شیخ محمد جواد - راجع بحریان انتخابات در موضوع آقای معتمد السلطنه هیچ اظهاری نخواهم کرد برای اینکه میدانم تمام نکات قانونی در نوشتن صورت مجلس مراعات شده ولی اظهارات من محدود خواهد بود بعد و در شرایطی که نمایندگان بموجب قانون بایستی دارای آن باشند بعقیده بنده توجه به آن شرایط الزم از توجه بحریان انتخابات است اگر در بعضی از نقاط چهار روز بعد از اعلام بواسطه کوچکی محل تعرفه داده شده باشد قابل اغماض است ولی اگر یک نفر از نمایندگان فاقد یکی از شرایط مقید در قانون باشد بعقیده بنده قابل اغماض نیست لذا توجه آقایان را باین نکته جلب میکنم که آقای معتمد السلطنه فاقد بعضی از شرایط قانونی میباشد یکی از آن شرایط معروفیت محلی است.

در تمام خاک در جزو کلیه نقاط مختلف آن که یک حوزه انتخابیه را تشکیل میدهند آقای معتمد السلطنه از آن نقاط دارای (۱۳۸۷) رأی هستند - هشتاد و هفت نفر ایشان را نمی شناسند و بعقیده بنده با این عدم معروفیت فهمیدن این نکته که جریان انتخابات آنجا بر روی چه اصلی بوده برای آقایان چندان اشکالی ندارد و نخواهد داشت شرط دوم که بعقیده بنده همتر از شرط

اولی است ماده ششم نظامنامه انتخابات است که می نویسد باینسان بنده معروف با امانت و درستکاری باشد در این موضوع هرا یض بنده قطع بینی بر مسوعاتی است که از روز و روز بد طهران (بدون اینکه سابقه به اعمال زندگانی ایشان داشته باشم) هر کسی را که ملاقات کرده ام این مطلب را تصدیق نموده چون اطلاعات آقایان را در این موضوع براتب بیشتر از خود میدانم وقت مجلس را بیش این تضییع نکرده هم بقدر عرض میکنم که بنده از هیچ نقطه نظری نمایندگی آقای معتمد السلطنه را با فائد بودن دو شرط مهم از قانون انتخابات تصویب نمی کنم.

رئیس - مخبر شعبه گویا تشریف ندارد (در این موقع آقای تدین مخبر شعبه وارد شده و اظهار نمودند بنده نبودم و نمیدانم چه اعتراضی فرموده اند تا مدافعه نمایم).

آقا شیخ محمد جواد - راجع به معروفیت محلی بوده.

تدین - راجع به معروفیت محلی آقای معتمد السلطنه نظایر خیلی دارند بنده مجبور هستم دفاع نمایم در صورتیکه نمایندگی اشخاص دیگری که تقریباً نظیر ایشان بوده اند تصویب شده از این نقطه نظر بنده تصور نمیکنم عدم معروفیت محلی بتواند انتخابات ایشان را طرف حمله قرار دهد اگر اجازه میفرمائید نظائر آنرا عرض نمایم والا ساکت باشم.

رئیس - بفرمائید.

تدین - از خراسان غیر از آقای معتمد السلطنه آقای فهیم الملک هم منتخب شده اند چنانچه بحریان انتخابات کاملاً یکی است و تمام دوسیه های انتخابات و کلای خراسان تقریباً در تحت یک دست و روی یک فورمول و یک شرط نوشته شده و همه هم جامع است از نقطه نظر بحریان انتخابات و از روی صورت مجلس انتخابات هیچ اشکال و اعتراضی وارد نیست. و اما راجع به معروفیت محلی بنده عرض میکنم همان درجه معروفیتی که آقای فهیم الملک در قوچان داشته اند به همان درجه آقای معتمد السلطنه هم در درج و اطراف آن معروفیت داشته اند معروفیت را بهر معنی که تعبیر فرمایند بهر درجه که شامل حال آقای فهیم الملک بوده شامل حال ایشان هم هست خلاصه اینست که هر دو در عرض هم واقفند و اگر محتاج به اظهار ادله هم بشود عرض خواهم کرد پس بنابراین چون شعبه عدم معروفیت محلی ایشان را معتقد نبوده باین جهت نمایندگی ایشان را تصویب کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالف هستید یا موافق.

آقا سید یعقوب - بنده مخالف با آقای تدین هستم آنروز عرض کردم مواردی را که می شود در آن مخالفت کرد دو قسم است یک قسمت راجع بحریان انتخابات و قسمت دیگر راجع بصلاحت شخص منتخب است گمان میکنم مواد قانون راجع بهر یک از این دو مورد در عرض همدیگر باشند و در هر یک از

فهم الملک نباشد لا اقل متساوی هستند و آن وقت یکی قبول و دیگری رد شود البته صحیح نیست اما اگر بجهت و ادله دیگری است بنده نمیدانم هر وقت شنیدم جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده هر چه مذاکرات در مجلس زیاد تر جریان پیدا میکنند بر تأثرم افزوده میشود بجهت اینکه چون آقای مخبر شعبه در موقع حمله مخالف در مجلس تشریف نداشتند بدون سابقه وارد میشوند برای آنکه یک دلیل آتی پیدا کنند تمام انتخابات خراسان و وکلای آنجا را زیر پا گذارده و لگدمال کردند اگر چه من امیدواری کامل دارم و معتقدم که بعد از ختم این کشمکش های کوچک (که هیچک از دردهای بی درمان این مملکت را در نخواهد کرد) مجلس شورای ملی حکم خواهد کرد صورت مذاکرات را جمع نموده و آن مذاکراتی که ضد و نقیض است وحدت و شدت دارد پاره کرده دور بریزند و مذاکراتی که ممکن است بعدها شاهد یک وقایعی بشوند و ادلالی باشند که فقط برای مواقع خاص سندیت دارد ترتیب داده و بقیه مذاکراتی را که باید فراموش شود از صورت مجلس حذف کنند در اصل مطلب بنده کاری ندارم که آقای معتمد السلطنه خوب باید یا در تحت تأثیر چه عواملی انتخاب شده و با آقای فهیم الملک همدوش هستند یا نیستند فقط چیزیکه میتوانم بگویم این است که آقای مخبر از عمارت قشنگ بهارستان خارج میشدند و در آن صحرا های گرم درج و قوچان می رفتند این فرمایشات را نمی فرمودند پس بایستی از این فضا خارج شد و یک قدری اطلاعات محلی تحصیل نمود بعد داخل مذاکره شد بر فرض اینکه آقای فهیم الملک معروفیت محلی نداشته باشند بعد از آنکه مجلس شورای ملی در باب انتخاب ایشان رأی داد دیگر برای احترام رأی مجلس نمیتوانیم آنرا باطل کنیم و لازمه یک خلاف قانون ارتکاب و تکرار خلاف قانون دیگر نمیتواند باشد این مطلب هیچ منطقی نیست اما راجع بانتهای خراسان که ایشان مقایسه فرمودند عرض می کنم هیچ اعتباری بعلم ایشان در باب انتخابات خراسان نیست فرمودند انتخابات خراسان تمام تقریباً در روی یک اساس است آقای تدین هیچ ملاحظه فرموده اند که انتخابات خراسان در هر سه چهار دوره یک سیره داشته که بر حسب ادوار مختلفه تغییر می کرده است ولی معناً ثابت بوده و بعد هم ثابت خواهد ماند و یکی از منتخبین آنجامن هستم که در دوره سوم و چهارم بوده (و تا وقتیکه افتخار داشته باشم که خراسانی هستم) همچنین در دوره پنجم و ششم و هفتم هم خواهم بود و همچنین یک عده از رفقای خراسانی من هم هستند که در تحت هیچ تأثیری و نفوذی انتخاب نشده اند فقط بواسطه اینکه خراسانی بوده و محل اعتماد اهالی ولایت خودشان بوده اند انتخاب شده اند و این حرفها با اساس انتخابات ما تزلزل وارد نخواهد نمود و در زمینه انتخابات هم وکلای خراسان به آقای معتمد السلطنه همدوش نخواهند شد.

تدین - تصور می کنم اگر مراجعه فرمائید هرا یضی که عرض نموده ام اینجا ثبت باشد (اشاره بهیئت تند نویسان) درست گوش داده نمی شود بعد عصبانی می شوید بنده نکتم انتخابات خراسان در تحت یک دستور و فرمول بوده است بنده عرض کردم دوسیه انتخابات در تحت یک فرمول و یک دستور از نقطه نظیر تنظیم نوشته شده علی ای حال انتخابات خراسان خیلی خوب بوده کاری ندارم البته خوب بوده بنده عرض می کنم که صورت مجلس خیلی خوب و انتخاباتش خیلی منظم و موضوع آقای معتمد السلطنه شاید نظر دیگر هم داشته باشد و اینکه میفرمائید یک اصل غلط مجوز یک غلط دیگر نمی شود بنده اورا تصدیق می کنم اما اگر بدلیل عدم معروفیت متمسک میشوید این دلیل نمیشود اگر دلیل دیگر دارید بگوئید.

رئیس - دوسه فقره پیشنهاد هم شده اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانند خوانده شود

سردار معظم - توضیحی دارم و آن عبارت که آقای تدین فرمودند بنده بدقت گوش می دادم اینطور فرمودند صورت مجلس دوسیه انتخابات خراسان در تحت یک ...

تدین - نگفتم شاهد دارم.

رئیس - گمان می کنم وقتی میگویند من این طور نگفتم باید قانع شد.

سردار معظم - ثانیاً که فرمودند منم قانع شدم.

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند - آقای مدرس و آقای منتصر الملک پیشنهاد کرده اند که راپورت برگردد بشعبه تا تحقیقات محلی شود.

مدرس - در این مسئله توضیح میدهم. با کمال تأسف باید اقرار کرد که عظمت مجلس شورای ملی را باید زیاده بر آن بدانیم که بعضی مذاکرات بشود انشاء الله باید بعد ما مطالب را در خارج تصفیه بکنیم که در مجلس شورای ملی یا رأی اثبات یازاری نفی گرفته شود لهذا بنده این پیشنهاد را نمودم آقایانی که مخالف بودند و عبارت در فرمایشات خودشان فرمودند که بنده هیچ وجه صلاح نمیدانم این مذاکرات در مجلس شورای ملی بشود لهذا اگر مخبر خودشان راپورت را مسترد میدانند و الا بموجب پیشنهادی که کرده ام بشعبه برگردد تا تحقیقاتی که لازم است یاد ر شعبه یا در یک کمیسیون بشود بلحاظ اینکه بعضی مذاکرات را بهیچوجه مناسب نمیدانم در مجلس شود دیگری عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا شیخ محمد جواد راجع باین پیشنهاد مخالفند؟

آقا شیخ محمد جواد - راجع به آن فرمایشات آقای تدین اظهاری ندارم فقط راجع به پیشنهادی است که آقای مدرس فرمودند که این راپورت برگردد بشعبه و شعبه تحقیقات کند بنده کاملاً مخالفم بنده یک نفر خراسانی و نماینده حقیقی خراسان هستم و فریاد میکنم که این نماینده را بجلقوم خراسانی فرو کرده اند از کسی تحقیق بکنیم بنده عرض میکنم آقای مخبر در راپورت می نویسند که شکایاتی نرسیده در صورتیکه تلگرافات شکایات را خودم در دست آقای مخبر دیدم که تمام امضاء کنندگان آن را می شناسم

فصرت الدوله - بنده میخواهم تأیید بکنم پیشنهاد آقای مدرس را و در مقابل یک قسمت از

که از اهالی لطف آباد محمد آباد که مرکز حوزه انتخابیه در جز است هستند با این نوشته چه تحقیقاتی کنیم شکمی در این نیست که آقای معتمد السلطنه را اهالی زور آباد که انتها نقطه انتخابیه ایشان واقع شده اند ایشان را هم نمی شناسند بلکه قوام السلطنه که سه سال است ایالت خراسان را دارند ایشان را هم نمی شناسند برادر بودن با آقای قوام السلطنه معروفیت برای ایشان نمیشود کلیه نظایر هم جواب بنده نمیشود بنده اگر یکدفعه نماز نخوانم باید بعد بگویم که مجبور هستم باز هم نماز نخوانم زیرا که یک مرتبه نماز نخواندم آقای تدین متمسک میشوند باینکه چون فلان کس که معروفیت نداشته باو رأی داده ایم باید به ایشان هم رأی بدهیم بنده ایشان عرض میکنم که شما یک نفر نماینده حافظ قانون و مقنن هستید با توجه داشتن باینکه فلان کس معروفیت محلی نداشته چرا آن روز بنمایندگی او رأی دادید و مخالفت نکردید این عقیده امروز برای جنابعالی آمد یا آن روز هم این عقیده را داشتید بنده کاملاً با این پیشنهاد مخالف هستم و میگویم نتیجه تلگراف کردن بحکم محلی جز تفسیر زدن مردم و تصدیق گرفتن چیز دیگر نیست. و بنام یک نفر خراسانی میگویم بنده معتمد السلطنه را نماینده خراسان نمیدانم و فریاد میزنم که ایشان را بجلقوم خراسانی فرو کرده اند.

تدین - اجازه میفرمائید نسبتی هم ایشان بیند دادند جواب بگویم.

رئیس - بفرمائید.

تدین - آقا شیخ محمد جواد فرمودند دو فقره تلگراف رسیده بهلوی بنده بوده اینطور میخوانند بفهمانند که بنده آن تلگراف را یا مخفی کرده ام یا نسبتاً نسبتاً قرار داده ام اینطور نیست دو تلگراف رسیده یکی از لطف آباد یکی از درج هر دو تلگراف بنظر آقای رئیس رسیده که اولی تقریباً چهار یا پنج امضاء داشت بتاریخ سوم اسد دومی امضایش زیادتر است تاریخ گویا پنجم اسد است موافق آن قانونی که بنده و شما هر دو میگوئیم باید طرفدار آن باشیم قانون انتخابات میگوید که در ظرف ماه اول باید رسیدگی کرد بعد از تمام شدن یک ماه نه شعبه نه جای دیگر حق ندارد رسیدگی کند فقط خود مجلس شورای ملی حق دارد رأی دیگری بدهد باین جهت شعبه آمد و ترتیب اثری بآنها داده نشد دیگر اینکه فرمودند عرض کردم که فلان را قبول کردید باید فلان را هم قبول کنید بنده کی این حرف را زدم و اظهار عقیده کردم تعجب میکنم چه شد که امروز بنده مبتلا شده ام لایق قطع توضیح بدهم و بعضی از آقایان مبتلا شده اند که هیچ نشنوند بنده عرض کردم هر دو مثل هم است اگر آن صحیح است دیگری هم صحیح است من که عقیده قاطعی نسبت بکسی ندارم عرض میکنم اگر ادله دیگری دارید چون من نبودم مطلع نشده ام بفرمائید شاید منم بایستی موافق شوم.

فصرت الدوله - بنده میخواهم تأیید بکنم پیشنهاد آقای مدرس را و در مقابل یک قسمت از

فرمایشات که آقای آقا شیخ جواد معترض محترم فرمودند تذکاراً عرض کنم ارجاع بشعبه و تحقیقات محلی منحصر تلگراف و ارجاع بحکام یا بوسیله مأمورین رسمی نیست که آنها باز طرف سوء ظن جناب عالی بشود ممکن است يك اشخاص امین موقط مطلع از طرف خود مجلس شورای ملی انتخاب شوند که یا در محل بروند و تحقیقات لازمه را بنمایند و یا در همین جا از اشخاص خیر و بصیر از امثال و کلای خراسان و غیره تعقیق کنند باین ملاحظه بنده میتوانم پیشنهادی را که آقای مدرس فرموده اند اگر آقایان رأی دهند مقصد آقای آقا شیخ آقا محمد جواد حاصل خواهد شد مقصود این است که ما بدون رسیدگی و بدون مسلم بودن اینکه آقای معتمد السلطنه منتخب حقیقی درج هستند یا نیستند رای نداده باشیم ارجاع شعبه برای همین است قبل از آنکه توضیح مختصر خودم را خاتمه دهم خاطر آقایان و کلای خراسان را بیک نکته مختصر دیگری تذکر میدهم که آیا تصور میفرمائید امروز ممکن است تحقیقات محلی بر نفع آقای معتمد السلطنه بشود.

رئیس - تصور میکنم راجع باین پیشنهاد توضیحات کافی شده باشد.

سردار معظم - بنده يك سوالانی دارم.

رئیس - راجع بچه.

سردار معظم - راجع باین پیشنهاد.

رئیس - بفرمائید.

سردار معظم - البته اگر آقای مدرس این طور پیشنهاد بفرمایند بنده با پیشنهاد ایشان موافقت خواهم کرد که اگر شعبه اختیارات خودش را برای تحقیقات محلی کافی ندانست همینطور که راجع به آقای دست غیب گفته شد بیک کمیسیون خاصی رجوع شود.

مدرس - عبارت پیشنهاد بنده هم بر این دلالت دارد بفرمائید قرائت شود.

نصره الدوله - پیشنهاد را بمضمون ذیل خواندند پیشنهاد میکنم که معتمد السلطنه برگردد بشعبه که بالاخره تعقیق محلی بشود.

(کلمه راپورت را قبل از اسم آقای معتمد السلطنه از قلم انداخته و نوشته بودند)

مدرس - مقصودم این بود که اگر مقتضی بدانند منتهی بکمیسیون هم بشود حالا اگر عبارت کافی نیست باید تکمیل شود.

نصره الدوله - اجازه می فرمائید بنده تکمیل کنم.

مدرس - بله مطلب همین است.

(آقای نصره الدوله پیشنهاد را اصلاح و بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم که راپورت راجع به آقای معتمد السلطنه برگردد بشعبه که تحقیقات محلی بشود و چنانچه شعبه خود را صالح برای تحقیق نداند برگردد بمجلس تا کمیسیون خاصی معین شود (مدرس)

رئیس - مثل پیشنهادی که راجع آقای دست غیب شد بنامش برود بشعبه اگر شعبه بعد از تحقیقات کافی ندانست رأی بدهد دو باره برمیگردد به مجلس آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در خصوص راپورت شعبه سوم راجع به آقای عبدالملك مخالف هست.

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم . بنده تصور میکنم این راپورت شعبه خود بهترین دلیل است بر بطلان انتخابات سمنان زیرا که در راپورت صریحاً نوشته شده که اعلان انتخابات در دامغان شد انجمن جزء در آنجا تشکیل و دو روز هم تعرفه داده شد در بین اینکه تعرفه میدادند انجمن جزء که انجمن دامغان باشد از انجمن مرکزی تقاضا کرد که تعرفه که برای دامغان فرستاده شده است کافی نیست و کم است و همچنین وزارت داخله تلگراف کرده که تعرفه که فرستاده اند کم است و از انجمن مرکزی تعرفه فرستاده نشده انجمن مرکزی آیا حق دارد در صورتیکه عده منتخبین زیادتر از آن مقدار تعرفه که بانجمن جزء فرستاده شده رأی دهند گان زیادتر باشند تعرفه فرستاده مطابق کدام ماده از قانون انتخابات این حق برای انجمن مرکزی هست بنده همچو ماده در قانون انتخابات نمی بینم قانون بانجمن مرکزی حق میدهد که در مدت معینه اگر هر آینه انتخابات را خاتمه نداد و نتیجه اش را بانجمن مرکزی نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه دهد ولی این حق بانجمن یک جمعی از منتخبین را از حق ملی خودشان محروم کند در این راپورت تصریح شده که تقاضای تعرفه کرده اند و تعرفه فرستاده اند وزارت داخله هم تلگراف کرده اند و بنده آنچه شنیده ام از وزارت داخله هم بانجمن مرکزی دستور العمل داده شده است که تعرفه بفرستند معذالك انجمن سمنان نفرستاد غیر از اینکه يك نظر خاصی در اینجا ملحوظ شده آیامیتوان بر چیز دیگری حمل کرد آیا میتوان این انتخاب را جزو انتخابات محلی محسوب کرد بنده که چنین چیزی را تصور نمیکنم که انجمن مرکزی بتواند يك جمعی از ملت را از حق رأی دادن محروم کند و انتخابات سمنان را خاتمه دهد و یک نفر نماینده از طرف سمنان و دامغان بمجلس معرفی کند خیلی بعید بنظر میآید یکی دیگر راجع بجناب بیابانک است در اینجا میگویند اعلان انتخابات فرستادند اما بعد دیگر معلوم نیست چه شد نه انجمن تشکیل شده و نه انتخابات شده نه مدتی برای آنها معین شده و بکلی اهالی آنجا را از حق رأی دادن محروم کرده اند مثل اینکه اهالی آنجا جزو این ملت نبوده اند و حق رأی دادن نداشته اند و آنوقت میگویند که وزارت داخله از حکومت توضیح میخواهد حکومت آن زمان امیر حشمت تلگراف میکند که انتخابات در اینجا سابقه نداشته و در زمان گذشته هم انجمن نظر تشکیل نداده اند و اهالی را از حق انتخابات محروم کرده اند به بینید بمجردی که در یک زمانی حق يك ملت و يك قومی را پایمال کرده اند و محرومشان نموده اند آیا میتوان این را دلیل بطلان حق آنها و گفت شما حق انتخاب ندارید بعد می نویسند یک نفر از طرف جندق سمنان آمده و نوشته اعتبار در دست داشت که این شخص که میآید سمنان محل اطمینان ما است هر چه میگوید صحیح است این طرز انتخاب را بنده نمیدانم موافق کدام قانون است که بدون اعلان انتخابات بدون تعرفه بدون رأی اسم اورا انتخاب ملی گذارند آیا يك همچو اختیاراتی بانجمن نظر داده نشد که اظهارات اورا بپذیرند ملاحظه بفرمائید دیگر اینکه می نویسند یک نفر اعتبارنامه در دست داشت آمد سمنان دیگر معلوم نیست او چه اظهار کرده آیا و کالت عبدالملك را از طرف بیابانک و و جندق تصدیق کرد یا نکرد آنرا هم نوشته با این ترتیب بنده خود را محتاج توضیح و شرح وسط زیاد نمی بینم همینقدر عرض می کنم که انتخابات سمنان این قسم بعمل آمده است یعنی فقط يك انجمن در سمنان دائر شده بدون اینکه اهالی دامغان و جندق و بیابانک در انتخابات شرکت کرده باشند اولی آنوقت يك اعتبارنامه از محل مخصوص بمجلس شورای ملی آمد زیاد تر از اینهم لازم بتوضیح نیست

نقاط در مدتی که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکنند انتخابات خود را بعمل میآورند حق انتخاب آنان ساقط میشود و انتخاب سایر نقاط آن حوزه معتبر است . انجمن نظار مرکزی شخصاً دستور داده واز طرف حکومت هم بنایب الحکومه دامغان نوشته شده جریان انتخابات از دویم شوال تا بیست و هشتم خواهد بود یعنی در بیست و دویم شروع باخذ آراء خواهد شد در بیست و هشتم استخراج آراء خواهد شد انجمن دامغان بدون اطلاع انجمن مرکزی سمنان بموجب خواهش کمیته دو کرات محلی دامغان تمدید مدت داده است و در هیچ جای این قانون ذکر نمیکند که انجمن جزء میتواند بدون اطلاع انجمن مرکزی تمدید مدت بدهد تمدید مدت داده است تا بیستم شوال و از بیستم شروع با انتخابات نموده و در بیست و دویم که موقع اخذ آراء بوده است تازه از انجمن سمنان تعرفه می خواهد انجمن سمنان هم متعذر می شود باینکه این با آنچه شما نوشته ایم مخالف است خودم هم تمام این قانون را دیده ام اصلاً تمدید مدت را در هیچیک از مواد قانون ذکر نکرده فقط چیزی که هست و بعضی از آقایان میگویند (و بنده اطلاع ندارم) در طهران سابقه داشته که انجمن نظار مرکزی تمدید مدت داده است ولی در نظامنامه انتخابات هیچ ذکر نشده که انجمن نظار می تواند تمدید مدت بدهد علی ای حال باینکه قبلاً هم اطلاع داشته انجمن دامغان بخواهد دمکرات محلی تمدید مدت داده در موقعی که باید اخذ رأی بکند تازه تعرفه خواسته است و در روز بعد که روز بیست و سیم بوده است از وزارت داخله تعرفه خواسته و از وزارت داخله هم بحکومت آنجا می نویسند که تعرفه بدهند ولی وزارت داخله مسبقاً از جریان انتخابات دامغان بوده است که مخالف دستور انجمن مرکزی سمنان بوده است می نویسند تعرفه می- خواهند برایشان بفرستند تعرفه خواستن موافق اصول نظامنامه است وزارت داخله هم گفته است بفرستید ولی نمیدانسته است که از موقع معینه گذشته است و دیگر موافق قانون حق خواستن تعرفه نداشته اند صحیح است آنها محروم شده اند ولی مخالف با قانون آنها را محروم کرده چنانچه ماده سی و هفت همین قانون میگوید ماده ۳۷ هر گاه بعضی از انجمن های نظارت جزء صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را خاتمه داده نتیجه را معین میکنند ولی این امر مانع از حق شکایت رأی دهندگان آن نقاط نخواهد بود اینست انجمن نظار مرکزی حق دارد که انتخابات را تمام شده دانسته باشد و اتمام انتخابات آنجا را اعلان کند در این صورت قانوناً همانطور که شعبه بعرض آقایان رسانده است هیچ ایرادی بانجمن مرکزی سمنان داده نمی شود زیرا که سابقاً او اطلاع داده است که از نوزدهم تا بیست و دوم تعرفه بدهند واز بیست و دویم اخذ آراء نموده بر خلاف این انجمن جزء يك تمدید مدتی داده است و موافق قانون و مواد نظامنامه انتخابات انجمن مرکزی بپذیرفته است . اما راجع به جندق و بیابانک نوشته شده است که امیر حشمت تلگراف میکند که اولاً بواسطه اینکه اهالی جندق و بیابانک نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه بعضی از آن

فقط بحکومت تلگراف شده باشد که باید دوازدهم انتخابات آنجا شروع شود و در فلان روز تعرفه تمام شود و چند روز بعد استخراج آراء در صورتیکه بکلی نه انجمن جزئی تشکیل شده و نه انتخاباتی شروع شده باشد و نه اهالی مسبقاً باشند . فقط يك تلگرافی انجمن مرکزی سمنان بدامغان مغایره کرده باشد بدون اینکه انجمن جزء تشکیل بشود بدون اینکه مردم از انتخابات مسبقاً باشند در این مورد آيا انصاف است که ما بگوئیم اهالی دامغان را از حق خودشان باید محروم کرد این حقرا بانجمن نظار بدهیم نه بنده حق میدهم به اهالی دامغان در موقعیکه حکومت اعلان کرده است در بیست و دویم شوال بوده و تقاضای تعرفه کرده اند مطابق امر وزارت داخله باید انجمن مرکزی تعرفه فرستاده باشد و انتخابات آنجا را خاتمه بدهد نه اینکه آنها را از حق خود محروم بکنند بعلاوه راجع بجناب بیابانک خود آقای میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلاً انجمن جزء در آنجا تشکیل نشده و هیچ رأی هم گرفته نشده و تعرفه هم نداده اند چون در سابق اعلان انتخابات در جندق شده بوده و شرکت نکرده بودند لهذا نماینده ما مسامحه کرده است از آن طرف دفاع میکنند و میفرمایند رمضان يك مخالف عرض میکنم .

حاج شیخ اسدالله - بنده يك نکته را قبلاً یاد آوری میکنم راجع باین ماده از قانون انتخابات که حق میدهد بانجمن مرکزی که هر گاه در مدت معینه که انجمن مرکزی انتخابات اعلان کرده انجمن های جزو صورت انتخابات خود را بانجمن مرکزی نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه داده و اعتبار نامه به منتخب آن محل میدهد البته آقایان تصدیق میفرمایند که این يك ماده ایست خیلی تعجیل و خیلی مبهم و مقصودش معلوم نیست مجلس شورای ملی هم در این يك ماده توضیحی نداده و يك شرحی برای آن ننوشته که بچه کیفیت اگر باشد انجمن مرکزی میتواند حق منتخبین حوزه جزء را باطل نماید این هم شقوقی دارد یکی اینکه ممکن است تصور شود خود اهالی مسامحه میکنند در اینکه استیفای از حق ملی خود نکنند و يك وقت انجمن نظار جز در وظایف خودش مسامحه میکنند بوقت ممکن است حکومت در این باب مسامحه بکند واز تعیین انجمن جزء غفلت بکند و تاخیر بیاندازد تا مدت معینه منقضی شود . آیا آقایان تصدیق می کنند که اگر هر آینه نایب الحکومه دامغان در آن مدت که انجمن مرکزی تعیین کرده انجمن جزء تشکیل نداد . آیا آن وقت اهالی دامغان از حق انتخاب محروم یا اگر انجمن تقصیر کرد و مسامحه نمود در رعایت خودش باز بنده نمیتوانم تصور کنم که تقصیر انجمن سبب بطلان يك حق مشروع جمعی از ملت ایران خواهد شد بلی اگر خود اهالی مسامحه کردند و استیفای از حق مشروع نمودند ممکن است در این صورت بانجمن مرکزی حق داد که انتخابات را خاتمه بدهد چون که اهالی خودشان در این باب مسامحه کرده اند و استیفای از حق ملی خود نکرده اند در هر صورت این يك ماده ایست که محتاج بيك شرحی است در این دو شکل ممکن است یکی اینکه اعلان کرده باشد و این اعلان در محل منتشر شده باشد یکی اینکه

فقط بحکومت تلگراف شده باشد که باید دوازدهم انتخابات آنجا شروع شود و در فلان روز تعرفه تمام شود و چند روز بعد استخراج آراء در صورتیکه بکلی نه انجمن جزئی تشکیل شده و نه انتخاباتی شروع شده باشد و نه اهالی مسبقاً باشند . فقط يك تلگرافی انجمن مرکزی سمنان بدامغان مغایره کرده باشد بدون اینکه انجمن جزء تشکیل بشود بدون اینکه مردم از انتخابات مسبقاً باشند در این مورد آيا انصاف است که ما بگوئیم اهالی دامغان را از حق خودشان باید محروم کرد این حقرا بانجمن نظار بدهیم نه بنده حق میدهم به اهالی دامغان در موقعیکه حکومت اعلان کرده است در بیست و دویم شوال بوده و تقاضای تعرفه کرده اند مطابق امر وزارت داخله باید انجمن مرکزی تعرفه فرستاده باشد و انتخابات آنجا را خاتمه بدهد نه اینکه آنها را از حق خود محروم بکنند بعلاوه راجع بجناب بیابانک خود آقای میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلاً انجمن جزء در آنجا تشکیل نشده و هیچ رأی هم گرفته نشده و تعرفه هم نداده اند چون در سابق اعلان انتخابات در جندق شده بوده و شرکت نکرده بودند لهذا نماینده ما مسامحه کرده است از آن طرف دفاع میکنند و میفرمایند رمضان يك مخالف عرض میکنم .

حاج شیخ اسدالله - بنده يك نکته را قبلاً یاد آوری میکنم راجع باین ماده از قانون انتخابات که حق میدهد بانجمن مرکزی که هر گاه در مدت معینه که انجمن مرکزی انتخابات اعلان کرده انجمن های جزو صورت انتخابات خود را بانجمن مرکزی نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه داده و اعتبار نامه به منتخب آن محل میدهد البته آقایان تصدیق میفرمایند که این يك ماده ایست خیلی تعجیل و خیلی مبهم و مقصودش معلوم نیست مجلس شورای ملی هم در این يك ماده توضیحی نداده و يك شرحی برای آن ننوشته که بچه کیفیت اگر باشد انجمن مرکزی میتواند حق منتخبین حوزه جزء را باطل نماید این هم شقوقی دارد یکی اینکه ممکن است تصور شود خود اهالی مسامحه میکنند در اینکه استیفای از حق ملی خود نکنند و يك وقت انجمن نظار جز در وظایف خودش مسامحه میکنند بوقت ممکن است حکومت در این باب مسامحه بکند واز تعیین انجمن جزء غفلت بکند و تاخیر بیاندازد تا مدت معینه منقضی شود . آیا آقایان تصدیق می کنند که اگر هر آینه نایب الحکومه دامغان در آن مدت که انجمن مرکزی تعیین کرده انجمن جزء تشکیل نداد . آیا آن وقت اهالی دامغان از حق انتخاب محروم یا اگر انجمن تقصیر کرد و مسامحه نمود در رعایت خودش باز بنده نمیتوانم تصور کنم که تقصیر انجمن سبب بطلان يك حق مشروع جمعی از ملت ایران خواهد شد بلی اگر خود اهالی مسامحه کردند و استیفای از حق مشروع نمودند ممکن است در این صورت بانجمن مرکزی حق داد که انتخابات را خاتمه بدهد چون که اهالی خودشان در این باب مسامحه کرده اند و استیفای از حق ملی خود نکرده اند در هر صورت این يك ماده ایست که محتاج بيك شرحی است در این دو شکل ممکن است یکی اینکه اعلان کرده باشد و این اعلان در محل منتشر شده باشد یکی اینکه

فقط بحکومت تلگراف شده باشد که باید دوازدهم انتخابات آنجا شروع شود و در فلان روز تعرفه تمام شود و چند روز بعد استخراج آراء در صورتیکه بکلی نه انجمن جزئی تشکیل شده و نه انتخاباتی شروع شده باشد و نه اهالی مسبقاً باشند . فقط يك تلگرافی انجمن مرکزی سمنان بدامغان مغایره کرده باشد بدون اینکه انجمن جزء تشکیل بشود بدون اینکه مردم از انتخابات مسبقاً باشند در این مورد آيا انصاف است که ما بگوئیم اهالی دامغان را از حق خودشان باید محروم کرد این حقرا بانجمن نظار بدهیم نه بنده حق میدهم به اهالی دامغان در موقعیکه حکومت اعلان کرده است در بیست و دویم شوال بوده و تقاضای تعرفه کرده اند مطابق امر وزارت داخله باید انجمن مرکزی تعرفه فرستاده باشد و انتخابات آنجا را خاتمه بدهد نه اینکه آنها را از حق خود محروم بکنند بعلاوه راجع بجناب بیابانک خود آقای میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلاً انجمن جزء در آنجا تشکیل نشده و هیچ رأی هم گرفته نشده و تعرفه هم نداده اند چون در سابق اعلان انتخابات در جندق شده بوده و شرکت نکرده بودند لهذا نماینده ما مسامحه کرده است از آن طرف دفاع میکنند و میفرمایند رمضان يك مخالف عرض میکنم .

حاج شیخ اسدالله - بنده يك نکته را قبلاً یاد آوری میکنم راجع باین ماده از قانون انتخابات که حق میدهد بانجمن مرکزی که هر گاه در مدت معینه که انجمن مرکزی انتخابات اعلان کرده انجمن های جزو صورت انتخابات خود را بانجمن مرکزی نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه داده و اعتبار نامه به منتخب آن محل میدهد البته آقایان تصدیق میفرمایند که این يك ماده ایست خیلی تعجیل و خیلی مبهم و مقصودش معلوم نیست مجلس شورای ملی هم در این يك ماده توضیحی نداده و يك شرحی برای آن ننوشته که بچه کیفیت اگر باشد انجمن مرکزی میتواند حق منتخبین حوزه جزء را باطل نماید این هم شقوقی دارد یکی اینکه ممکن است تصور شود خود اهالی مسامحه میکنند در اینکه استیفای از حق ملی خود نکنند و يك وقت انجمن نظار جز در وظایف خودش مسامحه میکنند بوقت ممکن است حکومت در این باب مسامحه بکند واز تعیین انجمن جزء غفلت بکند و تاخیر بیاندازد تا مدت معینه منقضی شود . آیا آقایان تصدیق می کنند که اگر هر آینه نایب الحکومه دامغان در آن مدت که انجمن مرکزی تعیین کرده انجمن جزء تشکیل نداد . آیا آن وقت اهالی دامغان از حق انتخاب محروم یا اگر انجمن تقصیر کرد و مسامحه نمود در رعایت خودش باز بنده نمیتوانم تصور کنم که تقصیر انجمن سبب بطلان يك حق مشروع جمعی از ملت ایران خواهد شد بلی اگر خود اهالی مسامحه کردند و استیفای از حق مشروع نمودند ممکن است در این صورت بانجمن مرکزی حق داد که انتخابات را خاتمه بدهد چون که اهالی خودشان در این باب مسامحه کرده اند و استیفای از حق ملی خود نکرده اند در هر صورت این يك ماده ایست که محتاج بيك شرحی است در این دو شکل ممکن است یکی اینکه اعلان کرده باشد و این اعلان در محل منتشر شده باشد یکی اینکه

میگوید که آنها مباشرت به امر انتخابات نکرده‌اند و راجع بر مضامین بصری هم‌بند از روی اطلاعات خارجی عرض نکردم مطابق تلگراف حکومت است که میگوید منصور لشکر و رمضان بصری که سابقه هردو در وزارت داخله هم هست باعث تاخیر انتخابات شده و از خارج هم آقایان اطلاع دارند که در آن موقع رمضان بصری آنجا بوده پس در هر حال انجمن دامنان تشکیل داده و دولتی مطابق مقررات انجمن مرکزی رفتار نکرده است و راجع بجنیق و بیابانک هم مطابق تلگراف حکومت وقت از طرف اهالی قصور شده نه از طرف حکومت.

رئیس - در این باب گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند بلی) رای میگیریم بنمایندگی آقای عمیدالمالک آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (عنه کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع به نمایندگان زنجان قرائت میشود.

(آقای جلیل الملک بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم باعتبار نامه ها و دوسه و صورت مجلس انتخابات آقایان بیان الدوله و صدرالاسلام نمایندگان خمس رسیدگی نموده و راپورت آنرا ذیلا بعرض میرساند انجمن نظار مرکزی خمس موافق مقررات قانون انتخابات در غره محرم ۳۹ در زنجان تشکیل و اعلان انتخابات را منتشر ساخته و در ۱۶ محرم شروع بتوزیع تعرفه نموده و مدت توزیع تعرفه را تا ۲۹ محرم قرار داده است و در ۱۸ محرم برای چهار نقطه جزء چهار نفر مأمور تعیین و با اعلانات و تعرفه آنها را بنقاط مزبوره فرستاده است پس از دو روز از توزیع تعرفه شکایاتی از زنجان و طارم علیا بر مرکز رسیده دایر بر اینکه انتخابات مبنی بر تهدید و فشار از طرف امیر افشار است وزارت داخله تلگرافات متواتره مومکده به امیر افشار که حکومت وقت بوده مخابره نموده و امر بجلوگیری از هر نوع تهدید و فشاری نموده و بالاخره برای شکایات متشکیان و رسیدگی بصحت و سقم جریان انتخابات آنجا از طرف وزارت داخله انتخابات آنجا را تلگرافا توقیف و یک نفر مفتش اعزام میشود وصول امر تلگرافا توقیف انتخابات مصادف میشود با ۲۹ محرم آخرین روز توزیع تعرفه بنا بر این انجمن تعطیل و منتظر ورود مفتش میگردد و مفتش مزبور در چهاردهم صفر بزنجان وارد و در یازدهم اعلانی بمدت شش روز مبنی بر اینکه هر کسی شکایتی از انتخابات دارد به او مراجعه نماید منتشر ساخته و در همان روز انجمن نظار تشکیل و خود او در انجمن حاضر و اظهار میدارد که تا بیست و یکم باید انجمن تعطیل و منتظر وصول شکایات بمن باشد انجمن تا قبل شده در ۲۲ مجددا تشکیل و مفتش بانجمن حاضر و اظهار داشته است که تاکنون احدی شکایت نکرده ولی چون این مدت را کافی ندانستم برای شش روز دیگر اعلان انتشار داده ام و مدت خاتمه اظهار شکایات تا ۲۷ خواهد بود انجمن تا ۲۷ تعطیل و تا آن تاریخ از طرف مفتش به انجمن اطلاع نمیرسد انجمن دو روز دیگر هم تامل نموده و در ۲۹ صفر تشکیل و مکتوبی بمفتش مینویسد که اگر شکایتی رسیده اظهار

دارند از طرف مفتش جوابی بانجمن داده نمیشود مجددا در غره ربیع الاول انجمن تشکیل و به مفتش مرسله مینویسد که اگر شکایتی رسیده بفرستند روز ۲ ربیع اول چون از طرف مفتش اصلا جوابی به انجمن داده نمیشود لهذا انجمن بملاحظه اینکه توقیف انتخابات از طرف وزارت داخله اساسا برخلاف قانون بوده و بعلاوه مردم هم باوجود اعلانات مقتضی شکایتی نکرده‌اند اعلانی منتشر و سه روز برای اخذ آراء بمدت قرار داده و روز شروع هم اعلام میدارد و پس از خاتمه اخذ آراء شروع باستخراج آراء مینماید و آقای بیان الدوله با کثرت (۶۸۶۵) رای و آقای حاج صدرالاسلام با کثرت (۶۶۴۲) از (۸۰۰۰) و کسری تعرفه که برگشته است انتساب گردیده‌اند اما مفتش بدون اطلاع بانجمن بر مرکز حرکت نموده و همینکه بقزوین وارد میشود تلگرافا از وزارت داخله تقاضا میکند که امر تلگرافی در توقیف انتخابات زنجان صادر گردد تا خودش بر مرکز آمده حضورا راپورت خود را تقدیم نماید از مرکز تلگرافی به حکومت مخابره مینماید که انتخابات توقیف باشد تا تکلیف آن معلوم گردد این تلگراف در موقعی میرسد که استخراج آراء تمام شده و انجمن هم نمایندگان آنجا تعیین نموده است مفتش پس از ورود بر مرکز بدون اینکه راپورت کتبی بوزارت داخله تقدیم نماید در روزنامه اعلان مینماید که انتخابات خمس را مطابق اسناد مثبتی که در دست دارد باطل می‌داند و بعد از انتشار اعلان از طرف دایره انتخابات وزارت داخله بمفتش ابلاغ میشود که اگر اسنادی دارند باینجا بفرستید تا در دوسه انتخابات ضبط شود مشارالیه استنکاف نموده و چیزی بوزارت داخله نمی‌فرستد شعبه بعد از اینکه راپورتی از مفتش در دوسه انتخابات ملاحظه نمود کتبا از مفتش تقاضا نموده که اگر راپورتی دارد بشعبه بفرستد تا شعبه از کیفیت آن مستحضر گردد پس از روز راپورتی از طرف مفتش بشعبه رسیده شعبه بدقت آن را ملاحظه نموده و چون شعبه دوم هم در یک قسمت از انتخابات زنجان (خمس) میبایستی رسیدگی نماید لهذا این دو شعبه متفقاً بر راپورت مزبور افکار باحضور هیجده نفر از اعضای دو شعبه رای میدهند که راپورت مفتش بی اثر و موجب بطلان انتخابات خمس نمیشود بعلاوه شکایت از انتخابات فقط در حین توزیع تعرفه بوده و از خاتمه انتخابات و معلوم شدن منتخبین بهیچوجه دیگر شکایتی نرسیده و موافق تحقیقات از بعضی متشکیان معلوم می‌شود که شکایت آنها مبنی بر وحشت از انتخابات اشخاص دیگر بوده و بعد از انتخاب نمایندگان فعلی خمس رفع وحشت و نگرانی آنها شده و دیگر شکایتی نکرده‌اند بنا بر مراتب معروضه شعبه سوم جریان انتخابات خمس را موافق قانون دانسته و بصحت انتخابات آقای بیان الدوله و آقای حاج صدرالاسلام ابهرودی را در خمس تصدین مینماید.

رئیس - تصویب شد . رای میگیریم بنمایندگی آقای بیان الدوله آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (عنه کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع به نمایندگان زنجان قرائت میشود.

(آقای جلیل الملک بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم باعتبار نامه ها و دوسه و صورت مجلس انتخابات آقایان بیان الدوله و صدرالاسلام نمایندگان خمس رسیدگی نموده و راپورت آنرا ذیلا بعرض میرساند انجمن نظار مرکزی خمس موافق مقررات قانون انتخابات در غره محرم ۳۹ در زنجان تشکیل و اعلان انتخابات را منتشر ساخته و در ۱۶ محرم شروع بتوزیع تعرفه نموده و مدت توزیع تعرفه را تا ۲۹ محرم قرار داده است و در ۱۸ محرم برای چهار نقطه جزء چهار نفر مأمور تعیین و با اعلانات و تعرفه آنها را بنقاط مزبوره فرستاده است پس از دو روز از توزیع تعرفه شکایاتی از زنجان و طارم علیا بر مرکز رسیده دایر بر اینکه انتخابات مبنی بر تهدید و فشار از طرف امیر افشار است وزارت داخله تلگرافات متواتره مومکده به امیر افشار که حکومت وقت بوده مخابره نموده و امر بجلوگیری از هر نوع تهدید و فشاری نموده و بالاخره برای شکایات متشکیان و رسیدگی بصحت و سقم جریان انتخابات آنجا از طرف وزارت داخله انتخابات آنجا را تلگرافا توقیف و یک نفر مفتش اعزام میشود وصول امر تلگرافا توقیف انتخابات مصادف میشود با ۲۹ محرم آخرین روز توزیع تعرفه بنا بر این انجمن تعطیل و منتظر ورود مفتش میگردد و مفتش مزبور در چهاردهم صفر بزنجان وارد و در یازدهم اعلانی بمدت شش روز مبنی بر اینکه هر کسی شکایتی از انتخابات دارد به او مراجعه نماید منتشر ساخته و در همان روز انجمن نظار تشکیل و خود او در انجمن حاضر و اظهار میدارد که تا بیست و یکم باید انجمن تعطیل و منتظر وصول شکایات بمن باشد انجمن تا قبل شده در ۲۲ مجددا تشکیل و مفتش بانجمن حاضر و اظهار داشته است که تاکنون احدی شکایت نکرده ولی چون این مدت را کافی ندانستم برای شش روز دیگر اعلان انتشار داده ام و مدت خاتمه اظهار شکایات تا ۲۷ خواهد بود انجمن تا ۲۷ تعطیل و تا آن تاریخ از طرف مفتش به انجمن اطلاع نمیرسد انجمن دو روز دیگر هم تامل نموده و در ۲۹ صفر تشکیل و مکتوبی بمفتش مینویسد که اگر شکایتی رسیده اظهار

میکنند قیام فرمایند . (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپورتی است راجع به آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی (آقای تدین راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسه انتخابات خمس بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض می نماید که چون دوسه انتخابات خمس مابین این شعبه و شعبه سوم مشترك بوده در نتیجه این دو شعبه متفقاً بصحت انتخابات خمس را تصدیق کرده دیگر خود را محتاج بر راپورت مفصل ندانسته و کاملاً موافق با مدلول راپورت شعبه سوم میباشد بنا بر این اظهار میدارد که آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی با کثرت (۶۳۳۰) رای از حوزه انتخابیه خمس بوکالت دارالشورای ملی انتخاب گردیده و شعبه دوم بصحت انتخابات ایشان را از حوزه مزبور تصدین مینماید.

رئیس - نسبت باین راپورت اعتراضی نیست یا هست؟

عمادالسلطنه - بنده مخالفم

رئیس - میماند برای جلسه دیگر . آقای حاج شیخ اسداله (احضار برای قرائت راپورت) حاج شیخ اسدالله بنده توضیح میخواهم اجازه میفرمائید

رئیس - خیر مخالف بودند ماند جلسه دیگر عرض کردم تشریف بیاورید راپورت راجع بنمایندگان کرمان را قرائت نمائید (آقای حاج شیخ اسدالله در محل نطق حاضر راپورت شعبه ششم را به مضمون ذیل قرائت نمودند) شعبه ششم بدوسه انتخابات شهر کرمان و توابع آن رسیدگی کرده شرح آن بقراری است که ذیلا بعرض میرسد انجمن نظار بموجب ماده ۱۰ قانون انتخابات تشکیل شده انجمن نظار از روز ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷ اعلان انتخابات را منتشر و از روز غره جمادی الاولی تا روز ۱۵ شهر مذکور توزیع تعرفه نموده و از روز ۱۶ شهر مذکور یک ساعت بظهر تاروز ۲۱ یکساعت بظهر مانده برای اخذ آراء معین و چون روز اول را از یکساعت بظهر مانده شروع باخذ آراء کرده بودند روز ششم راهم تا یکساعت بظهر اخذ آراء کرده بودند روز ششم و اوراق رای روز ششم را در جمعه جداگانه ضبط نموده و از وزارت داخله کسب تکلیف کرده از طرف وزارت داخله جواب داده شده است چون کسری روز پنجم بوده مخالف قانون نیست معذرا شعبه در این مسئله دقت کرده و اوراق کسری روز ششم را جداگانه ضبط و قرائت کرده‌اند و اوراق مأخوذه (۲۰۶) ورقه بوده و آراء هریک از آقایان معین و آقای حاج میرزا مرتضی ۶۷ رای آقای آصف الممالک ۸۴ رای داشته اند که چنانچه آن آراء هم حذف شود نقصی با کثرت آقایان وارد نمی‌آورد و برای بلوکات هم شش شعبه از فرار ذیل معین کرده‌اند .

۱ خبیص و گوک و سیرج و جوشان ۲ ماهان و لنگر و قنات و عسان و جویبار ۳ راوروزی ۴ یادامنه چترود و هوتک و سرآسیاب ۵ کوه پایه ۶ باغین و کویرات و کلیه آرائی که از شهر و بلوکات اخذ شده است ۹۵۶۵ رای بوده و آقای حاج میرزا مرتضی با کثرت ۶۹۹۹ رای و آقای آصف الممالک به اکثریت ۶۶۳۰ رای انتخاب شده اند شکایات وارده

نسبت به انتخابات شهر کرمان و توابع آن بر سه قسم است : اول شکایاتی است که در موقع جریان انتخابات شده و منجمه شکایتی هم از طرف آقای آقا سید محمد جواد که یکی از اعضاء انجمن نظارت بوده در سوء جریان انتخابات رسیده بود که از طرف وزارت داخله از ایالت توضیح خواسته شده و در جواب اظهار داشته اند که چون کاندیدای وکالت بوده اند و اقلیت پیدا کرده اند این اظهارات را می‌نمایند و قسمت دیگر شکایاتی است که بعد از خاتمه انتخابات و انحلال انجمن نظار تا افتتاح مجلس رسیده و یک قسمت هم پس از افتتاح مجلس در مدت یکماه قانونی افتتاح مجلس رسیده است گرچه این شکایات مفصل و عبارات مختلفه است ولی تماماً شکایات از مداخله نظامیان و قریاسوران و اینکه انتخابات مبنی بر تهدید و تطمیع بوده و در مقابل ایالت و انجمن نظار این نسبت ها را بکلی تکذیب نموده و ناشی از تحریکات اشخاص دانسته اند که در اقلیت مانده و به پیشرفت کاندیدای خودشان موفق نشده‌اند شعبه هم با کمال دقت رسیدگی بدوسه انتخابات و اسناد راجع بآن نموده و بهیچوجه مدرکی که برای شعبه صحت شکایات مزبوره را ثابت نماید بدست نیامد لهذا شعبه با کثرت آراء صحت انتخاب آقای حاج میرزا مرتضی و آقای آصف الممالک نمایندگان کرمان را تصویب مینماید .

رئیس - راجع بر راپورت مزبور که قرائت شد رای باید بگیریم اول رای میگیریم بنمایندگی آقای آصف الممالک مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . (رای میگیریم بنمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی آقایانیکه تصدیق میکنند قیام فرمایند) اکثر نمایندگان قیام نمودند .

رئیس - تصویب شد (راپورتی راجع به آقای شریعتمدار نماینده رفسنجان)

(آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم بدوسه انتخابات حوزه رفسنجان رسیدگی نموده بر حسب دعوت حکومت در تاریخ دهم جمادی الثانی ۱۳۳۷ انجمن نظار تشکیل و اعلان انتخابات منتشر که از روز ۲۲ جمادی الثانی تا پنجم رجب مشغول دادن تعرفه و از روز پنجم رجب تا دهم برای اخذ آراء معین گردیده و برای بلوکات پنج انجمن جزء معین شده و انجمنهای جزء نیز مطابق قانون انتخابات را جریان و خاتمه داده اند و کلیه تعرفه که در حوزه مرکزی و بلوکات داده شده است ۷۳۹۱ تعرفه بوده و آرائی که اخذ شده است ۶۷۵۶ رای بوده است و آقای آقا محمد شریعتمدار با کثرت ۶۴۰۸ رای انتخاب شده اند یک هفته بعد هم بعد از ختم اخذ آراء انجمن نظار تشکیل و شکایتی نرسیده در مدت یکماه پس از افتتاح مجلس شکایاتی بشعبه واصل شده یکفقره سئوالی است که از یکفقره نظار انا و یکفقره دیگر سئوالی است که از یکفقره نظار زرنده و یکفقره سئوالی است که از بعضی از نظار کوهستان یکسال پس از ختم انتخابات شده است و در آن از سوء جریان انتخابات ذکری نموده اند شعبه برای رسیدگی باین اظهارات بصورت

مجلسهای انتخابیه حوزه های جوه رسیدگی کامل نموده چون در موقع انتخابات بهیچوجه شکایتی نبوده و اعضاء انجمنهای نظارت جزء انجمن نظارت مرکزی رفسنجان نیز تصدیق بصحت انتخابات را نموده و خود آقایان که جواب فوق را در یکسال بعد داده‌اند در آن موقع انتخابات بصحت انتخابات جریان را تصدیق نموده اند لهذا شعبه نتوانسته باظهارات فوق ترتیب اثری بدهد لهذا با کثرت آراء صحت انتخاب آقای شریعتمدار را تصدیق مینماید .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی نیست (اظهاری نشد) پس رای میگیریم بنمایندگی آقای شریعتمدار آقایانیکه تصویب می نمایند قیام کنند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . (راپورتی است راجع باقای وقارالملک نماینده دزفول قرائت میشود)

(آقای آصف الممالک بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم بتاريخ ۵ ذی حجه ۱۳۳۹ در تعقیب جلساتی که دوسه انتخابیه دزفول و توابع رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آورده نتیجه تحقیقات خود را بعرض میرساند مطابق صورت مجلس و دوسه انتخابیه در انتخابات دزفول و توابع رعایت مقررات قانون بعمل آمده فقط ابهاماتی در صورت مجلس و اعتبارنامه ملاحظه و توضیحاتی که خواسته شده ذیلا بعرض میرساند اول راجع بتشکیل انجمنهای نظارت جزء است که در صورت مجلس مینویسد (چون موقع زرع صیفی و طوائف و دهات تابع دزفول ممکن- الحضور در مرکز نبود چهار نفر اجزاء سیار از طرف نظار مرکزی برای دادن تعرفه و اخذ آراء بحوالی فرستاده شد ولی ترتیب آنرا متعرض نشده) (چون حاکم دزفول که در آن تاریخ تصدی امر انتخابات آنجا بوده حالیه در تهران بوده از طرف شعبه احضار و پس از تحقیقات معلوم شد که مقصود از اجزای سیار معلمینی بودند که از طرف انجمن مرکزی برای تشکیل انجمنهای جزء باطراف رفته و در نقطه انجمن نظارت جزء تشکیل داده‌اند و بالنتیجه آراء آنها را بانجمن نظارت مرکزی آورده ضمیمه آراء نموده‌اند دوم راجع بتاريخ اعتبار نامه است که در هشتم ذی قعدة امضاء شده و صورت مجلس در نهم شهر مزبور پس از تحقیقات و تدقیق معلوم شد که یکی از اعضاء انجمن نظار بالضروره در هشتم ذی قعدة که روز انتخابات است مسافر بوده و چون امضاء اعتبارنامه را هم فرض کرده‌اند اعتبارنامه را بامضاء سایر اعضاء و عضو مسافر رسانیده صورت مجلس را فردای آن که روز نهم بوده است نوشته و شش نفر دیگر امضاء کرده‌اند و حاکم محل در صورت مجلس عدم حضور عضو مسافر را ایراد و مینویسد اعتبارنامه را امضاء نموده است چون خاتمه انتخابات مطابق راپورت های تلگرافی حکومت و اسناد دیگر در هشتم ذی قعدة بوده شعبه این اختلاف تاریخ را منافی با اساس انتخابات و مخالف بودن با قانون نداشت سیم انجمن نظار رعایت ایام شکایت را ننموده و در همانروز ختم انتخاب اعتبارنامه نوشته‌اند هر چند این فقره غفلتی بوده است که از انجمن نظار ناشی گردیده ولی چون فلسفه قانون از تعیین يك هفته برای رسیدن شکایات است و در دوسه مزبوره گذشته از اینکه از بدو انتخابات

تاکنون هیچ نوع شکایتی ملاحظه نشده بعلاوه تلگرافات رضایتمندی از طبقات مختلفه ملاحظه شد لهذا این غفلت را نیز شعبه محل صحت اساس انتخابات آن حوزه ندانسته بنمایندگی آقای وقارالملک که با کثرت ۵۲۸۴ رای از ۶۴۵۹ رای انتخاب کنندگان آن حوزه است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان با کثرت آراء رای میدهد .

رئیس - نسبت باین راپورت اعتراضی نیست؟

رئیس - میماند برای جلسه بعد آقای تدین (احضار برای قرائت راپورت) (آقای تدین راپورت شعبه دوم را راجع بنمایندگی آقایان شیخ الاسلام و ناظم العلماء بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسه انتخابات ولایت ثلاث بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات ولایت ثلاث در دولت آباد در ۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۶ موافق قانون تشکیل گردیده و بعد يك انجمن خود را در تویسرکان دائر ساخته و بواسطه اطلاع از اتحاد الوار و احتمال تهاجم آنها بخواهند از تشکیل انجمن جزء در آنجا صرف نظر کرده و یکفقره مأمور از طرف حکومت بخواهند فرستادیم که در آنجا اعلان انتخابات را منتشر و اهالی را بشرکت در انتخابات دعوت نماید پس از چندروز از ورود مأمور بخواهند و انتشار و اعلانات تهاجم افراد محقق و منازعه آنها در اطراف بخواهند شروع گردیده بعلاوه يك نوع مرض مسری که بعقیده بخواهند و بآه بوده نیز شایع گشته و اهالی بخواهند بجهت مزبوره بعضی فرار و بعضی متوحش و نتوانسته‌اند در انتخابات شرکت نمایند چون قضایای مزبوره متجاوز از یکماه بطول انجامیده و مدت معینه قانونی برای شرکت آنها در انتخابات منقضی گردیده لهذا انجمن مرکزی حق اهالی بخواهند را ساقط دانسته و اکتفا ب انتخابات حوزه ملایر و تویسرکان ننموده است از اینقرار که مطابق صورت مجلس انتخابات در دو حوزه مزبوره ۳۹۱۴ ورقه تعرفه توزیع نموده و از این مقدار (۳۸۰۴) ورقه تعرفه با اوراق رای برگشته و آقای ناظم العلماء ملایری با کثرت ۳۶۶۴ رای و آقای شیخ الاسلام ملایری با کثرت ۳۱۰۲ رای از کل آرای واصله بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شده و انجمن اعتبارنامه باسم آقایان مزبور صادر نموده است .

ولی اینجا لازم است خاطر نمایندگان محترم را مسبوق سازد که مطابق صورت مجلس انتخابات در ملایر و تویسرکان ۳۹۱۴ ورقه تعرفه داده و از این مقدار (۱۱۰) ورقه برگشته و ۳۸۰۴ ورقه با اوراق رای برگشته و چون انتخابات آنجا جمعی بوده و در هر ورقه اسم دو نفر میبایست نوشته شود و بر فرض اینکه تمام اوراق رای هریک دارای دو اسم بوده و سفید هم نداشته باشد مجموع آرای حاصله میبایست ۷۶۰۸ رای شود ولی آراء جزئی که در صورت مجلس انتخابات باسم اشخاص مختلف ثبت شده وقتی که جمع میشود معادل ۱۹۵۰ رای زیاد میآید که انجمن ملتفت آن نشده است شعبه دوم برای کشف مبداء این آراء زائده سه طریق

را در نظر گرفته اول آنکه ممکن است بعضی اشخاصی که رأی میداده اند عوض يك ورقه رأی زیاد تر در صندوق آراء انداخته باشند و انجمن پس از شماره اوراق رأی بدون التفات بقانون که باید اوراق زائد را از مجموع اوراق رأی بردارد و تمام اوراق رأی را قرائت نموده و یا اینکه اساسا از شماره اوراق رأی غفلت کرده است و دلیل بر عدم التفات انجمن مزبور آنست که اگر عامد در این امر میبود و در صورت مجلس فقط بذکر آراء دوفقره نماینده اکتفا میگردد از ذکر آراء اشخاص دیگر صرف نظر مینمود و ذکر کلیه اسامی اشخاصی که رأی داشته اند در صورت مجلس انتخابات خود دلیل سادگی امر است طریق دوم آن است که چون انتخابات جمعی بوده فقط میبایست این دوفقره در هر ورقه رأی نوشته شود ممکن است بعضی رأی دهندگان بیشتر از دو اسم روی ورقه رأی نوشته اند چنانچه مکرر این امر مشاهده شده و انجمن میبایست مطابق معمول در اینگونه موارد از صدور ورقه رأی شروع کرده و فقط بدو اسم اکتفا و بقیه را کنار لم یکن بیندازد در اینجا انجمن غفلت یا سهو نموده و تمام اسامی را خوانده و آنها را در دفتر ثبت نموده است پس از بیان دو طریق مزبور را همینکه بنظر شعبه میرسد آنست که بر فرض اینکه تمام آراء زائد باسم آقایان ناظم العلماء و شیخ الاسلام بوده باشد هر گاه آنها را از مقدار آراء فعلی هر يك از آقایان مزبور کسر نمایم باز مشارالیها حائز اکثریت میباشند و سکنه با انتخابات ایشان وارد نمیآید و غفلت انجمن هم بدرجه نیست که موجب بطلان انتخابات شود.

طریق سیم که بنظر شعبه رسیده آنست که شاید در تعیین مقدار تعرفه در صورت مجلس انتخابات اشتباهی شده باشد بنا بر این بتوسط مقام ریاست از وزارت داخله تقاضا نموده که حکومت ملایر اعضای انجمن مرکزی را جمع نموده و انجمن را تشکیل دهد ثالثا بدفاتر مراجعه نموده و صورتی مشعر بر تعیین عده تعرفه و آراء واصله و غیره تهیه و ارسال دارند چندی بعد تلگرافی از انجمن مرکزی بوزارت داخله مغایره که سوادش در دوسیه ضمیمه است بشعبه رسید مشعر بر اینکه هزار ورقه تعرفه به تویسرکان فرستاده شده و اگر در صورت مجلس قید شده بواسطه غفلت بوده است بعد از رسیدن این تلگراف موضوع آراء زائد بکلی حل و دیگر اشکالی باقی نماند.

اما در خصوص شکایات فقط شکایاتی از طبقات مختلفه نهایند پس از خاتمه انتخابات بوزارت داخله و مجلس شورای ملی رسیده مبنی بر اینکه چون موقع انتخابات نهایند مصادف با تهاجم الوار و بروز مرض مسری شده و نتوانسته اند در انتخابات شرکت نمایند لهذا از انتخابات راضی نیستند و در مقابل رضایتیهائی که باز از طبقات مختلفه نهایند رسیده مبنی بر اینکه اگر چه بواسطه منازعه الوار و خوف و وحشت از هجوم آنها نتوانسته اند در انتخابات شرکت نمایند ولی با وجود این از انتخابات ولایات ثلاث راضی و نمایندگان فعلی را نماینده خود میدانند.

تصدیق شده انتخابات ولایات ثلاث را موافق قانون دانسته و صحت انتخاب آقایان ناظم العلماء ملایری و شیخ الاسلام ملایری را تصدیق مینمایند.

رئیس - اگر مخالف نباشد اول رأی میگیریم

بنمایند گی آقای ناظم العلماء مخالفی نیست؟

حاج شیخ اسدالله - بنده با کلیه انتخابات ملایر مخالفم.

رئیس - پس موکول بجلسه بعد میشود. لازم است شعبات یادآوری کنم که تقریبا شانزده هفده الی بیست فقره اعتبار نامه در شعبات مانده است از قبیل اصفهان کردستان. بختیاری. ساری، بارفروش، شیراز لار، بوشهر، دماوند و غیره چون صورت های مجلس و تمام نوشتجاتی که برای این اعتبارنامه ها لازم بود در شعبه حاضر است نمیدانم علت اینکه تأخیر شده چیست خوب است شعبات در ظرف امروز و فردا منعقد شود و بعد اعتبار نامه هارا رسیدگی نمایند که بیش از این تأخیر نشود.

سردار معظم - شعبه پنجم فقط دوسیه انتخابات یزد را دارد که باید راپورت عرض کند چون اسناد لازمه آنها تکمیل نبود، لذا برگردانیم به هیئت رئیسه که دوسیه را تکمیل کرده و برگردانند و تاحال دوسیه شعبه نرسیده.

رئیس - باین جهت یزد را اسم بردم چونکه میدانستم که دوسیه هنوز شعبه نیامده.

سردار معظم - علاوه بر این تصور میکنم با اینکه سه ربع از اعتبارنامه ها تصویب شد جلسه بعد باید هیئت رئیسه دائمی را تعیین کرد.

رئیس - این مسئله مانع از آن نمیشود که سایر اعتبار نامه ها بماند زیرا بعضی آقایان و کلا که در ولایات هستند منتظرند که اعتبارنامه شان گذشته و بیایند خوب است زود اقدام جدی بشود که بقیه اعتبار نامه ها تمام بشود آقای مستشار السلطنه هم مطلبی داشتند باید اظهار کنند.

مستشار السلطنه - بنده مصمم بودم در اولین وقت ودفعه که موفق شوم پشت تریبون بیایم از عواملی که در تسریع افتتاح مجلس شورای ملی قیام و اقدام نموده اند تشکر نمایم این تشکر بنده قدری پیش افتاد برای اینکه باید بایک تذکری توأم شده و آن تذکره راجع بتزید اجرتی است که برای پست تصویب کرده اند تصدیق میفرمائید با بودن مجلس شورای ملی و دائر بودن اداراتش این مسئله مناسب نیست در ظرف همین برج اسد برای زیاد کردن اجرت پست مقداری تصویب شده است البته بنده باترید عوائد دولت هیچ مخالف نیستم مخصوصا در يك همچو موقمی که مخارج دولت از عوایدش بیشتر است موافقم لیکن عوایدی را که باقتصاد ایران و روابط تجارته اهالی صدمه بزند آن عواید را بنده مخالفم و عجالتا چون مورد سؤال نیست که بموجب ماده ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ سؤال نمایم تفصیل را بیش از این بيموقع میدانم و مجلس شورای ملی را متذکر داشتم که بهیئت وزراء خصوصا بوزارت پست و تلگراف گوشزد نماید که در موقمیکه در مملکت ایران صدمات جنگ های اخیر و جنگ بین المللی بیش از پیش است لازم است بیشتر در روابط

تجارتی مملکت و روابط اهالی مرکز و ولایات با یکدیگر بیش از این دقت کرده و سهولت و سائل ارتباطیه را فراهم آورند خاصه جرائد و کتب و نوشتجات که در ایران منتشر می شوند باید سهولت و ارزانی قیمت گرایه بیشتر و زیاد تر ترویج شود و تکلیف شود که اقدام سریع دولت را بزودی بعرض مجلس شورای ملی برسانند و این عواید را از امروز البته بزرگ دارند تا اینکه مجلس شورای ملی نظریات خودش را معین نماید

رئیس - شاید دولت قصد داشته است این مسئله را به مجلس بفرستد از طرفی تصور کرده است که اعتبار نامه ها هنوز رسیدگی نشده و مجلس هنوز رسمیت پیدا نکرده و از طرفی دیگر شاید این کار به نظرشان فوریت داشته است اقدام بر این امر شده است همینطور گفته شد بهیئت دولت تذکر داده خواهد شد که این قبیل مسائل راجع به مجلس است

رئیس - آقای آسید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب - در این موضوع بنده نمی خواستم وارد بشوم ولی چون آقای مستشار السلطنه وارد شدند بنده هم راجع به (مؤلیز) و صدماتی که بر اجزاء پست خانه زده است بشرح مفصلی عرس می کنم.

رئیس - راجع بچه مسئله میخواید بفرمائید.

آقا سید یعقوب - در مسئله پستخانه است میفرمائید بعد عرض می کنم.

رئیس - بلی عجالتا خارج از موضوع است آقای حاج آقا (اجازه نطق) حاج آقا - بنده يك سئوالی داشتم اینکه فرمودید چون آن مطالب فوری بوده است و دولت اقدام کرده است این را بنده برخلاف قانون می دانم این مطالب راجع به مجلس شورای ملی است.

رئیس - عرض نکردم فوری بوده است گفتم شاید در نظر آنها فوریت داشته است جلسه آینده روز پنجشنبه است و دستور جلسه تعیین هیئت رئیسه دائمی خواهد بود در صورتیکه عده کافی باشد، مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

جلسه ۱۵

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم ذیحجه الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۲۴ اسد ۱۴۰۰

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید.

(آقای مستشار السلطنه صورت مجلس یوم ۳ شنبه یازدهم را قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس نوشته شده است که مستشار السلطنه راجع باز دادیاقیمت پست اظهار فرمودند بعد از مذاکرات ایشان بنده هم در مقام صحبت اجمالا نسبت به اوضاع حالیه اداره پست اشاره کردم که فرمودید خارج از موضوع است بعد صحبت میشود و حالا ملاحظه میشود که در صورت مجلس اشاره باین مطلب نشده

رئیس - چون خارج از موضوع بود در صورت مجلس قید نشده است. دیگر مخالفی نیست (گفته شد خیر) . صورت مجلس تصویب شد .